

اتحاد اصولگرایان عقلانی و اعتدالی های دولتی در برابر تندروهای پایداری.



اعتدال روحانی؛ چالش تازه راست سیاسی
دفاع علی لاریجانی به عنوان لیدر اصلی جریان اصولگرا در مجلس شورای اسلامی از دولت چه در قالب مخالفت صریح و آشکار با تهیه فیلم "من روحانی هستم" و یا حمایت وی از مذاکرات هسته ای بخوبی نشان می دهد که اصولگرایان سنتی نمی خواهند در افواه عمومی با تندروهای این جریان سیاسی یک کاسه شده و در این قالب دیده شوند،

دکتر حسن روحانی نه فقط بواسطه حمایت بزرگان اصلاح طلب در انتخابات اخیر بلکه به شانیت کنش و منش و رویکرد سیاسی و نگرش اش به مقولات مختلف از سال ها پیش در زمره سیاست ورزان تحول خواره و اصلاح گر ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی قرار داشت. این نکته را اکثریت قریب به اتفاق جامعه شناسان و پژوهشگران عالمیرتبه ای که در طول هشت سال دولت احمدی نژاد در طبقه بهم مرکز تحقیقات استراتژیک با وی به بحث نشسته اند اذعان دارند و بر نگاه راهبردی و اصلاح گرانه وی صحه می گذارند.

حالی آن شیخ مداراجو و آرام بر مسند ریاست جمهوری نشسته و قصد دارد اعتدال نگری را در وجوه مختلف و متکثر سیستم اجرایی و بالمطیع آن در سطوح مختلف جامعه جاری و ساری سازد. مثنی اصلاح گرایانه روحانی بر مدار تندروی و کندروی، سخنان هیجانی و هیاهو طلبی سیاسی نمی چرخد، او آرام و با طمانینه به پیش می رود به مثابه همان مثل معروف: "رهرو آن نیست که گهی تند و گهی خسته رود، رهرو آنست که آهسته و پیوسته رود."

بی گمان یکی از دلایلی که پروژه اصلاحات را ابتر گذاشت و انقطاع گفتمانی در روند تکاملی و توسعه و پیشرفت جامعه ایجاد کرد، بحث بالاروی ناموزون مطالبات و تندروی اصلاح طلبانی بود که نه تنها برای رقبای سیاسی شانیتی قایل نبودند که صوت و لحن خود را فراتر از مهمترین چهره شاخص این جریان یعنی سید محمد خاتمی می بردند، پروژه عبور از خاتمی نمونه بارز چنین رویکردهایی بود.

این نگاهی بود که البته در میان قاطبه اصلاح طلبان جایگاه و پایگاهی نداشت اما مطابق معمول اقلیت پر هیاهو هزینه های تندروی و افراط خود را بر جامعه تحمیل کردند و تندروهای تمامیت خواه جناح مقابل

نیز برای بهره برداری خود بر این تنوره دمیدند.

سید محمد خاتمی یکی از بزرگترین اشتباهات خود در دوران ریاست جمهوری را با گذار از آن سال ها عدم استفاده از پتانسیل های کاندیدای رقیب یعنی علی اکبر ناطق نوری عنوان کرده و در جلسه ای می گفت که من باید در همان برهه به ازای 30 درصد رای ناطق نوری ازاین تفکر سیاسی در دولت بهره می گفتم.

حسن روحانی با عنایت به تجربیات پیشین و پیش گفته سعی کرده با دولتی فراجنبی و بهره گیری از مهره های طیف مقابل اصولگرا بر هم افزایی میان طیف های مختلف سیاسی در چارچوب سیستم اجرایی بیافزاید. نکته ای که البته در کوتاه مدت گلايه برخی نیروهای حامی رئیس جمهوری در ایام انتخابات را به همراه داشته اما در بلند مدت می تواند به انسجام سیاسی و هم افزایی میان نیروهای مختلف بیانجامد.

این روزها ثمره های این نگرش خود را بتدریج هویدا می کند در جایی که اصولگرایان تندرو و افراطی در جبهه پایداری تمام اهتمام خود را بر حمله نامنصفانه و تمام عیار به دولت معطوف کرده و دمام از دلوایسی خود می گویند و به انحاء مختلف آن را متبلور می سازند، شاهدیم که طیف اصولگرایان سنتی بر خط کشی خود با این جریان سیاسی تندرو تاکید دارند.

دفاع علی لاریجانی به عنوان لیدر اصلی جریان اصولگرا در مجلس شورای اسلامی از دولت چه در قالب مخالفت صریح و آشکار با تهیه فیلم " من روحانی هستم " و یا حمایت وی از مذاکرات هسته ای بخوبی نشان می دهد که اصولگرایان سنتی نمی خواهند در افواه عمومی با تدریجی این جریان سیاسی یک کاسه شده و در این قالب دیده شوند، حمایت محمد باقر قالیباف و محسن رضایی به عنوان دو چهره اصولگرایی شاخص از روند مذاکرات هسته ای و اذعان به این نکته که روند مذاکرات در چارچوب سیاست های کلان رهبر معظم انقلاب به پیش می رود نیز بخوبی گواه این نکته است که طیف کثیری از اصولگرایان مایل نیستند همانند دلوایس های جبهه پایداری بی محابا بر سیاست های اصولی دولتی تدبیر و امید در عرصه سیاست خارجی تاخته و برگه خود را در معادلات آتی بسوزانند.

فارغ از مشی معتدلانه روحانی در چنین اصلاخ دولت خود که در این روند بی تاثیر نبوده و از طرف دیگر تاکید و اصرار وی بر هماهنگی سازنده میان سه قوه و تنش زدایی در روابط فی مابینی که در کشش اصولگرایان عقلانی به سمت و سوی دولت وی اثر گذار بوده است یک نکته را هم نباید به فراموشی سپرد.

فضای پیشا انتخاباتی مجلس نهم نشان داد، طیف تندرویی که در قالب جبهه پایداری آرایش گرفته است به هیچ روی قصد تعامل و همنشینی با همقطاران دیروز اصولگرا را ندارد و اکنون که پرده ها بیش از پیش فرو افتاده و این طیف دولت تازه برآمده و منتخب اکثریت ملت را هم از همه گونه تخریب و هجمه بی نصیب نمی گذارد، اصولگرایان عقلانی و معتدلین خطر مشترکیرادر برابر خود دارند که لزوم اتحاد و انسجام در مقابل با این نگرش تکفیری و تمامیت خواهانه را دو چندن می کند.

ازطرف دیگر اصولگرایان هوشمندی چون علی لاریجانی به خوبی می دانند که نظر قاطبه مردم پیرامون مذاکرات و نحوه نگرش اکثریت مردم به این مقوله چیست و نمی خواهند تدریجی این جریان سیاسی به پای آنان نیز نوشته شده و از طرف دیگر اگر مذاکرات به فرجام مطلوب و قریب الموقوع رهنمون شد آنان در میان دسته و رسته ای قلمداد شوند که همواره ساز مخالف را کوک می کرد چرا که بالاخره رسیدن به توافق نهایی زمینه های گشایش اقتصادی را نیز فراهم کرده و طیف کثیری از مردم رابه سمت و سوی دولت بیش از پیش سوق خواهد داد.

هر چه هست تحولات اخیر و بروز تدریجی تازه و بی محابا از سوی طیفی که به جبهه پایداری و

حامیان دولت قبلی منتسب هستند زمینه را برای فاصله گیری هر چه بیشتر و انشقاق تمام عیار در جبهه اصولگرایی که در دهه هشتاد شکل گرفته، فراهم آورده است.

از طرف دیگر خبر دیدار جمعی از اصولگرایان مجلس و شخصیت های این جناح سیاسی با رئیس جمهوری در کاخ سعد آباد حاکی از آنست که دو طرف گام های عملی را برای نزدیکی و المیته بیشتر برای مقابله با طیف تندرو و همدستانی در این موضوع برداشته اند و باید منتظر تحولات تازه در طیف بندی های سیاسی پیش رو بود.